

بسم الله الرحمن الرحيم

دروس في علم الاصول

للشهيد الصدر

الحلقة الثالثة

درس 54

استاد: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدى

آموزشيار : آقاى شم آبادى

مقدمه :

در درس قبل شهید صدر (ره) این نکته را یادآور شد که چون الفاظ و معانی زبانها (از جمله زبان و لغت عرب) در طول زمان تغییر می کنند، پس موضوع حجیت ظواهر، ظهور موضوعی عصر تکلم است نه عصر سماع. از ظهور موضوعی عصر سماع به دو طریق می توان ظهور موضوعی عصر تکلم را کشف کرد که یکی از آنها «اصل عدم نقل» است. این اصل بیان می کند هنگام شک در تغییر ظهور موضوعی، باید بنا را بر عدم نقل و تغییر گذاشت.

شهید صدر (ره) در این درس منشأ این اصل را بررسی کرده و متذکر خواهد شد که منشأ آن، سیره عقلا و سیره متشرعه می باشد که این دو به دلیل سکوت شارع و عدم ردع او، دلیل حجیت این اصل می باشند.

نکته مهم دیگری که ایشان در این درس به عنوان یکی از مبانی خود بیان خواهد کرد، عدم صحت استفاده از اصل عدم نقل در صورت علم به اصل نقل و شک در تاریخ وقوع آن است.

متن درس

فان الثبات النسبى، و التطور البطيء للغة يوحى للافراد الاعتياديين بفكرة عدم تغييرها و ت طابق ظواهرها على مر الزمن، و هذا الإيحاء و ان كان خادعاً، ولكنه على أى حال إيحاء عام استقر بموجبة البناء العقلانى على إلغاء احتمال التغيير فى الظهور باعتباره حالة استثنائية نادرة تنفى بالأصل، و بإمضاء الشارع للبناء المذكور تثبت شرعية أصالة عدم النقل، أو أصالة الثبات، و لا يعنى الإمضاء تصويب الشارع للإيحاء المذكور، و انما يعنى من الناحية التشريعية جعله احتمال التوافق حجة ما لم يقم دليل على خلافه.

و لا شك أيضاً فى ان المتسرعة الذين عاصروا المعصومين خلال أجيال عديدة طويلة قرنين و نصف من الزمان، كانت سيرتهم على العمل بأصالة عدم النقل، و على الاستناد فى أواسط هذه الفترة و أواخرها إلى ما يرونه من ظواهر الكلام الصادر فى بدايات تلك الفترة مع انها كانت فترة حافلة بمختلف المؤثرات، و التجديدات الاجتماعية، و الفكرية التى قد يتغير الظهور بموجبها.

و لكن أصالة عدم النقل لا تجرى فيما إذا علم بأصل التغير فى الظهور أو الوضع، و شك فى تاريخه لعدم انعقاد البناء العقلانى.

یادآوری:

در درس گذشته بیان شد که موضوع حجیت دارای سه قید است :

الف) ظهور تصدیقی ثانی؛

ب) ظهور موضوعی؛

ج) ظهور موضوعی عصر تکلم.

قید سوم (که ملثر از عنصر زمان است) بیان می کرد که موضوع حجیت ؛ ظهوری است که در زمان بیان سخن ، و در ذهن مردم زمان تکلم شکل گرفته باشد .

اصل عدم نقل:

در این درس به بررسی اصل عدم نقل - که در بیدست آوردن قید سوم دخالت دارد - خواهیم پرداخت. همانطور که در درس گذشته بیان شد، زمان استفاده از این اصل وقتی است که احتمال دهیم ظواهر یک حدیث در طی زمان دگرگون شده و معنایی که امروز به عنوان ظهور موضوعی جلوه می کند، با ظهور موضوعی عصر معصوم متفاوت باشد. اگر چه این اصل به «اصالة عدم النقل» شهرت دارد، ولی شهید صدر (ره) عنوان «اصالة الثبات» را نیز برای آن به کار برده است ، که در تعبیر به یک معنی هستند و بیان می کنند که در موارد شک در تغییر، اصل این است که ظهور موضوعی تغییر نکرده باشد.

منشأ اصل عدم النقل:

منشأ اصل عدم النقل دو چیز است و ما از هر دو راه می توانیم حجیت این اصل را اثبات کنیم :

1- سیره عقلا

2- سیره متشرعه

دلیل نخست بر اصل عدم نقل: سیره عقلا

مرحله اول:

توضیح این سیره: از آنجایی که دگرگونی یک زبان و تغییر الفاظ آن حرکت کندی دارد و گاه نسل های مختلف را در برمی گیرد، نوعی ثبات پنداری بین عقلا رواج یافته است؛ بدین معنی که احساس می کنند، لغات، ثبات و استقراری دارند که تحول نمی یابند. از این رو عقلا به احتمال دگرگونی و نقل یک زبان اهمیت نمی دهند و سخنانی را که از نسل های گذشته به آنها رسیده، بر اساس ظهورات زمان خودش می فهمند و تفسیر می کنند. این یک سیره عقلایی است که می توان بالوجدان حضورش را در میان عقلا دریافت.

مرحله دوم:

منشأ این سیره: با دقت در این سیره، در می یابیم که منشأ آن توهم و خیال است. چون مردم تحول یک زبان را به دلیل کثد بودن آن، کالعدم می دانند و به سبب این ساده اندیشی و سهل انگاری فکر می کنند که زبان، ثابت است.

مرحله سوم:

منشأ این سیره: منشأ این سیره را نمی توان صحیح دانست؛ چرا که اصل تغییر و تحول یک زبان مسلم بوده و قابل چشم پوشی نیست.

مرحله چهارم:

عدم ردع شارع نسبت به این سیره: اگر چه منشأ این سیره صحیح نیست، اما آنچه مسلم است وجود این سیره عقلایی است، که مردم تا زمانی که یقین به تغییر و تحول یک زبان پیدا نکنند آن را نفی می کنند و به احتمال تغییر و تحول اهمیتی نمی دهند. همچنین این سیره مورد ردع شارع مقدس قرار نگرفته است؛ یعنی هیچ آیه و روایتی وجود ندارد که بیانگر عدم استفاده از این سیره ع قلائیه در شریعات باشد.

نتیجه:

همان‌گونه که قبلاً گفته شد، سیره عقلایی چنان‌چه مورد ردع و رد شارع قرار نگرفته باشد، حجت است، پس این سیره نیز حجت بوده و نخستین دلیل اصالة الثبات (اصالة عدم النقل) خواهد بود.

دو تذکر:

تذکر اول: سیره عقلا در اصل عدم النقل با اصول عقلایی دیگر شباهت دارد.

سیره عقلا در این اصل بر اساس القای احتمال تغییر در ظهور موضوعی است؛ به این اعتبار که احتمال تغییر در ظهورات یک لغت، حالت استشنا و کمیابی است که به وسیله اصل، قابل نفی کردن است. پس در این جهت این سیره مانند سائر سیره های عقلایی است. همان‌گونه که اگر بر خبر ثقه اعتماد می کنند به این دلیل است که احتمال کذب شخص ثقه را یک حالت استثنایی می دانند؛ لذا این‌گونه احتمالات را با اصل بر می دارند.

نکته دوم: باید توجه داشت امضاء و عدم رد شارع (که ما از آن اسم بردیم) معنایش تأیید این القاء احتمال نیست؛ یعنی گمان نشود که شارع نیز جزء افراد معمولی است که فکر می کند لغت، ثبات دارد و تغییر و تحول نمی پذیرد؛ بلکه شارع مقدس به خوبی می داند که یک زبان در طول تاریخ دچار تغییر و تحول می شود.

سکوت شارع نسبت به این سیره، بیانگر آن است که می پسندد در میان عقلا چنین پندار غلطی مبنای یک سیره شود و نیز راضی است که در استنباط فقهی از همین سیره رایج در میان افراد معمولی استفاده شده و ظهورات امروز لغت عرب را برای احادیث، حجت دانسته، آن‌ها را مبنای فتوای خود قرار دهیم.

Sco1: 13: 18

دلیل دوم بر اصل عدم نقل: سیره متشرعه

مقصود از متشرعه در اینجا اصحاب و یاران اهل بیت (علیهم السلام) هستند که نزدیک 270 سال از سال اوّل هجرت تا سال 260 هـ.ق. که غیبت صغری اتفاق افتاد، به اضافه 10 سال قبل از هجرت در محضر اهل بیت (علیهم السلام) بودند و در حضور آنان احکام را استنباط و از روایاتشان استفاده می کردند.

تعیین سیره متشرعه درباره اصل عدم نقل

مرحله اوّل: تحولات عمیق در طول 270 سال:

سیره متشرعه بر اصل عدم النقل بدین معناست که این 270 سال از مهم ترین و پرحادثه ترین ایام جهان است. در این مدت تحولات عمیقی اتفاق افتاده و تغییرات شگرفی در سیره و روش انسان ها ایجاد شده است.

مرحله دوّم: کثرت احتمال تغییر ظواهر موضوعی روایات:

وقتی پدیده های اجتماعی پشت سر هم اتفاق می افتد، طبیعی است که تغییر زبان با سرعت بیشتری صورت گیرد. بر همین اساس می توان فهمید که تحول زبان در زمان معصومین بیشتر بوده است یا حداقل احتمال تغییر در طی این 270 سال بیشتر مطرح بوده است. برای مثال اگر روایتی از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) صادر شده باشد احتمال تغییر ظواهر موضوعی این روایت نسبت به آن راوی ای که در زمان امام هادی (ع) زندگی می کرده بسیار زیاد است.

مرحله سوّم: عمل اصحاب متأخر به ظواهر موضوعی روایات معصومین متقدّم:

با وجود این که احتمال تغییر ظواهر موضوعی زیاد بوده، ولی شاهد هستیم که متأخرین از اهل بیت (علیهم السلام) به راحتی به روایات صادره از معصومین قبلی مثل امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) عمل می کردند؛ در حالی که در فاصله زمانی زیادی بوده و مثلاً در عصر امام عسکری (علیه السلام) بودند و در عین حال احتمال تغییر و دگرگونی نمی دادند.

مرحله چهارم: سکوت شارع شاهد رضایت او:

شارع مقدس در مقابل این عمل راویان سکوت اختیار کرده و هیچ گونه ردع و منعی نداشته است . از همین امر استفاده می شود که چه بسا راویان این رفتار را از امام (علیه السلام) آموخته بودند که می توان به روایاتی که در حدود دو قرن قبل صادر شده است، عمل کنند ، بدون اینکه احتمال تغییر و تحول زبان را بدهند؛ و همچنین بر اساس این روایات استنباط شرعی داشته باشند.

نتیجه:

این سیره و بنای متشرعه که ردع و منعی از سوی شارع ندارد، دلیل دیگری بر حجیت اصالة عدم النقل است.

Sco2: 20:59

رابطه اصالة عدم النقل و علم به نقل:

اصالة عدم النقل نیز مانند تمام اصول، هنگامی که شک داشته باشیم، جاری می شود ولی اگر علم به نقل وجود داشته باشد این اصل قابل اجرا نیست.

مثال:

گاهی علم داریم که در یک مقطع زمانی دگرگونی اتفاق افتاده است و فلان لفظ و فلان اصطلاح معنای دیگری پیدا کرده است؛ برای مثال لفظ «صلاة» در ابتدا به معنای مطلق دعا بوده ولی بعد از ظهور اسلام به معنای خاصی نقل پیدا کرده است ، و به حرکات و سکونات معروف، عنوان صلاة اطلاق شده است . پس این فعل و دگرگونی در لغت عرب اتفاق افتاده است یعنی یک معنی به معنای دیگری نقل پیدا کرده است و یک لفظ معنای گذشته خود را از دست داده و معنای جدیدی یافته است .

علم به نقل و شک در تاریخ وقوع آن:

اگر ما به نقل، علم داشته ولی در تاریخ وقوع آن شک کنیم و ندانیم که این نقل در چه زمانی اتفاق افتاده است ؛ (آیا در زمان صدر اسلام و در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) اتفاق افتاده یا در

زمان معصومین (علیهم السلام) این اتفاق رخ داده است، یعنی چنانچه در یک دایره زمانی گسترده و حدود 270 ساله در تحقق این نقل شک داشته باشیم چه راهکاری در پیش رو داریم؟

عقب کشیدن نقل با اصل عدم نقل:

با توجه به اینکه ما در تاریخ وقوع نقل شک داریم، آیا می توان با استفاده از اصل عدم النقل ، تغییر و تحول را تا جایی که ممکن است به عقب کشید؟ بعین معنا که بگوییم اصل این است که این نقل در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) صورت نگرفته است ، در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) نیز همین طور؛ تا زمانی خاص این دگرگونی را عقب بکشیم که یقین کنیم در آن تاریخ نقل صورت گرفته است.

خاصیت عقب کشیدن نقل:

خاصیت این عقب کشیدن آن است که اگر بر فرض از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا امیر المؤمنین (علیه السلام) روایتی صادر، و در آن از لفظ صلاة استفاده شده باشد، و ما معتقد باشیم که بنا بر اصالة عدم النقل می توانیم این تغییر را مثلاً به آخر دوره امامت نسبت دهیم، می توانیم اینگونه استنباط کنیم که مراد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) از صلاة دعا بوده است (نه حرکات و سکناتی که امروزه به عنوان صلاة می شناسیم) . و نظیر این مسائلی در دیگر الفاظ شرعی نیز اتفاق افتاده است؛ مانند لفظ «زکاة» که معنای قبل و بعد از اسلام آن، متفاوت است.

نظر شهید صدر (ره):

ایشان به صراحت می فرماید: در مواردی که به تحقق نقل، علم داریم (اگر چه در تاریخ وقوع آن شک داریم) ، نمی توان از اصل عدم النقل استفاده نمود و نقل را به تأخیر انداخت.

Sco3:26:27

چکیده

1. اصل عدم نقل یا اصالة الثبات، بیانگر آن است که در صورت شک در تغییر ظهور موضوعی یک لفظ، بنا را بر عدم تغییر می‌گذاریم.
2. منشأ اصل عدم نقل دوجیز است: سیره عقلا و سیره متشرعه؛ که از هر دو راه می‌توان حجیت این اصل را اثبات کرد.
- سیره عقلا در مورد اصل عدم نقل به این معنی است که اگر چه تغییر و دگرگونی در زبانها و لغات در طی زمان اتفاق می‌افتد ولی به دلیل کثرت بودن این تغییر یک نوع ثبات پنداری در بین عقلا رواج می‌یابد که به سبب آن، به احتمال تغییر و دگرگونی یک زبان اهمیت نمی‌دهند.
3. این سیره عقلا که بنا را بر عدم تغییر قرار می‌دهند مورد ردع شارع مقدس قرار نگرفته و همین امر علت حجیت اصل عدم نقل به واسطه سیره عقلا است.
4. سیره متشرعه در مورد اصل عدم نقل بدین معنی است که اصحاب و روایان ائمه (علیهم السلام) که در دوران متأخر امامت بوده‌اند؛ به احتمال تغییر در ظواهر موضوعی روایات صادر شده از معصومین مقدم (علیهم السلام) اهمیت نمی‌داده‌اند.
5. دلیل اینکه این سیره متشرعه می‌تواند منشأ حجیت اصل عدم نقل باشد، باز هم به عدم ردع و منع شارع است.
6. اگر ما در موردی به وقوع نقل یقین داشته‌ولی در تاریخ آن شک داشتیم نمی‌توانیم با اصل عدم نقل، وقوع نقل و تغییر را به تأخیر بیاوریم.